

کاهش ازدواج و افزایش روندی طلاق! چرا؟

بنده در سخنرانی‌ها و گفتگوهای بسیاری این هشدار را داده بودم، اما متأسفانه شاهد هستیم که دولت‌های گذشته در زمینه اجتماعی هیچگونه فعالیت موثری انجام ندادند، تا اینکه ما روز به روز شاهد گسست نهاد خانواده هستیم، این در حالی است با توجه به روندی که از گذشته شروع شده بود، پیش‌بینی می‌شد، که نرخ ازدواج دائماً با کاهش روبرو شود.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، قریب‌مقدم همچنین عدم مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌داری در جوانان امروز را از دیگر دلایل کاهش ازدواج و افزایش طلاق برشمرد و گفت: جوانان تنوع طلب شده‌اند و با توجه به وجود شبکه‌های اجتماعی ارتباط انسان‌ها با یکدیگر نیز بسیار متنوع و متفاوت شده، بنابراین در چنین شرایطی همزمان با کاهش ازدواج، نرخ طلاق نیز بالا می‌رود، تمامی دلایلی که برای کاهش ازدواج شمرده شد، در مورد افزایش طلاق نیز وجود دارد بدین معنی که بدتر شدن اوضاع اقتصادی به کاهش سطح رفاه خانواده‌های متوسط منجر شده، به طوریکه در این خانواده‌ها طلاق بیشتر شده، این در حالی است که در خانواده‌های متمول به دلیل سطح اقتصادی بالا و رفاهی وجود دارد طلاق به نسبت طبقه متوسط کمتر است. مرکز آمار ایران طی گزارشی تفصیلی به بررسی وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی از سال ۱۳۹۰ تاکنون پرداخته که در بخشی از این گزارش در سرفصل جمعیت و نیروی انسانی آماری از وضعیت ازدواج و طلاق ثبت شده در کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ ارائه شده است. این گزارش نشان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج طی این سال‌ها از ۱۶.۳ به ۳۲.۹ افزایش داشته است که روندی افزایشی طی کرده، ولی در سال ۱۳۹۸ در بالاترین نقطه در این دوره یعنی ۳۳ درصد قرار می‌گیرد.

جزئیات دیگری از این آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ مجموع ازدواج ثبت شده ۸۷۴ هزار و ۷۰۲ نفر بوده که در سال ۱۳۹۹ به ۵۵۶ هزار و ۷۳۱ نفر کاهش یافته است. براین اساس، محاسبات نشان می‌دهد که ازدواج در ایران در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۳۶ درصد کاهش یافته است. اما در رابطه با وضعیت طلاق در کشور آمار حاکی از آن است که در سال ۱۳۹۰، ۱۴۲ هزار و ۸۴۱ نفر طلاق ثبت شده بود که در سال ۱۳۹۹ به ۱۸۳ هزار و ۱۹۳ نفر افزایش یافته است. روند تغییرات طلاق نیز عمدتاً افزایشی بوده، ولی در فاصله ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ اندکی کاهش داشته است که این روند در سال گذشته مجدداً افزایشی می‌شود.

امان الله قریب‌مقدم جامعه‌شناس با اشاره به اینکه مسئله کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق موضوعی است که از دهه‌های گذشته نسبت به رخ دادن آن بارها هشدار داده شده است، گفت: بنده در سخنرانی‌ها و گفتگوهای بسیاری این هشدار را داده بودم، اما متأسفانه شاهد هستیم که دولت‌های گذشته در زمینه اجتماعی هیچگونه فعالیت موثری انجام ندادند، تا اینکه ما روز به روز شاهد گسست نهاد خانواده هستیم، این در حالی است با توجه به روندی که از گذشته شروع شده بود، پیش‌بینی می‌شد، که نرخ ازدواج دائماً با کاهش روبرو شود.

وی با اشاره به اینکه چهار عامل اصلی در کاهش نرخ ازدواج دخیل هستند، افزود: از گذشته به صورت سنتی، تحصیل جوانان در دانشگاه و همچنین سربازی رفتن پسران، حداقل ۶ سال ازدواج را در حالت طبیعی به عقب می‌انداخت، از سوی دیگر زمانی که یک جوان از دانشگاه یا سربازی فارغ می‌شود، می‌خواهد شغلی پیدا کند تا بر اساس درآمدش نسبت به ازدواج اقدام کند، این‌ها همه شرایطی است که در حالت عادی و ثبات اقتصادی می‌توان برای عدم ازدواج متصور بود، حال در شرایط حاضر باید دلایل دیگری را برای عدم ازدواج به موارد فوق اضافه کرد.

قریب‌مقدم اظهار داشت: تفریحات بیرون از خانه که در عصر مدرن بسیار فزونی یافته، یکی از دلایل عمده کاهش نرخ ازدواج است، بدین معنی که امروزه ارتباطات افراد به نسبت گذشته تغییر محسوسی کرده و افراد جوان دیگر عقاید پدر و مادر خود را ندارند، در این رابطه در تحقیقی که در ۱۵ سال گذشته با دانشجویان نام در کرج انجام دادیم، روی ۸۶۰ زن شوهردار مطالعه انجام شد و نتایج آن بسیار تکان‌دهنده بود در آن مقطع و در دهه ۸۰ بیش از ۳۴ درصد از این زنان رابطه نامشروع را تجربه کرده بودند، در تحقیق دیگری از ۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر در مورد ارتباطات جنسی آن‌ها سوال شد که، به صورت متوسط هر جوان بین ۱ تا ۱۴ رابطه جنسی را تجربه کرده بود، این تحقیق نیز برای ۱۰ سال گذشته است.

این کارشناس مسائل اجتماعی اضافه کرد: این پژوهش‌ها مربوط به دهه ۸۰ می‌شود، از آن زمان تاکنون با توجه به این نتایج، هشدارهای لازم برای از هم‌گسیختگی نهاد خانواده داده شد، اما متأسفانه گوش شنوایی وجود نداشت، این در حالیست که امروز با پدیده همبازی سیاه که بنده برای کلمه ازدواج سفید آن را مطرح کرده‌ام، روبرو هستیم که روز به روز در حال افزایش پیدا است، بدون اینکه زوجین نسبت به هم تعهدی داشته باشند، در حال حاضر باید دلایل عدم ازدواج را به دو قسمت عمده تقسیم کرد.

وی ادامه داد: بخش اول مربوط به اوضاع بد اقتصادی، عدم تأمین معیشت خانواده، بیکاری و افزایش آن، گرانی، افزایش تورم و سایر دلایل اقتصادی است، این موضوع باعث شده تا سن ازدواج افزایش یابد، در حال حاضر بر اساس آمارهای رسمی بیش از ۱۱ درصد از جمعیت فعال کشور که بالغ بر ۴ میلیون نفر می‌شود، بیکار هستند، هرچند که به نظر می‌رسد تعداد بیکاران بیش از آمارهای رسمی باشد. بر اساس آمار رسمی نهادهای دولتی خط فقر ۱۰ میلیون تومان است، با توجه به چنین رقمی اکثر جوانانی که می‌خواهند ازدواج کنند زیر خط فقر هستند، بنابراین آن‌ها برای ازدواج اوضاع اقتصادی و عواقب وخیم‌تر شدن آن را در نظر می‌گیرند و ترجیح می‌دهند، خود را درگیر چنین وضعیت وحشتناکی نکنند.

قریب‌مقدم بیان کرد: در حال حاضر سن ازدواج در بین پسران ۲۸.۵ تا ۳۰ سال و در بین دختران ۲۵ تا ۲۶.۵ سال است که نسبت به گذشته با افزایش بسیار زیادی روبرو بوده است، بخش دوم دلایل کاهش نرخ ازدواج مربوط به تغییر نگرش و فکر جوانان نسبت به مقوله ازدواج است، در دوران مدرن ازدواج آن اهمیت سنتی خود را از دست داده، این دهه‌ها در اروپا رخ داده، اما در کشور ما در طی یک دهه اخیر این مسئله بسیار پر رنگ شده، در این مدت بسیاری از جوانان نسبت به ازدواج بی‌تفاوت شدند و در کنار مسائل اقتصادی، تغییر نگرش جوانان نسبت به ازدواج، در کاهش آمار ازدواج بسیر موثر بوده است.

این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه به دلیل عدم امید به آینده جوانان انگیزه‌ای برای ازدواج ندارند، خاطر نشان کرد: به دلیل شرایط کشور جوانان آمیدی به آینده ندارند و این موضوع باعث ناامیدی و یاس آن‌ها شده، زیرا هیچ چشم اندازی برای پیشرفت در شرایط امروز کشور برای خود متصور نیستند، بر همین اساس نیز تن به ازدواج نمی‌دهند.

قریب‌مقدم همچنین عدم مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌داری در جوانان امروز را از دیگر دلایل کاهش ازدواج و افزایش طلاق برشمرد و گفت: جوانان

تنوع طلب شده‌اند و با توجه به وجود شبکه‌های اجتماعی ارتباط انسان‌ها با یکدیگر نیز بسیار متنوع و متفاوت شده، بنابراین در چنین شرایطی همزمان با کاهش ازدواج، نرخ طلاق نیز بالا می‌رود، تمامی دلایلی که برای کاهش ازدواج شمرده شد، در مورد افزایش طلاق نیز وجود دارد بدین معنی که بدتر شدن اوضاع اقتصادی به کاهش سطح رفاه خانواده‌های متوسط منجر شده، به طوریکه در این خانواده‌ها طلاق بیشتر شده، این در حالی است که در خانواده‌های متمول به دلیل سطح اقتصادی بالا و رفاهی وجود دارد طلاق به نسبت طبقه متوسط کمتر است.

وی تصریح کرد: در خانواده‌های فرودست نیز به دلیل وجود پیوندها مذهبی و سنتی، نرخ طلاق نیز بسیار کمتر از طبقه متوسط است، بنابراین آن چیزی که نرخ طلاق را با رشد روبرو کرده، ازدیاد طلاق در طبقه متوسط است که این موضوع نیز به همان دو بخشی که در مورد ازدواج به آن اشاره شد، مرتبط است، به بیان دیگر چیزی که نرخ طلاق را در حال حاضر افزایش داده، وضعیت بد معیشتی طبقه متوسط است که درگیری‌ها بین خانواده‌ها را با افزایش روبرو کرده، در کنار عامل اقتصادی، عامل تغییر نگرش و تفکر و همچنین تنوع طلبی که به آن اشاره شد، افزایش طلاق را تشدید کرده است.

این جامعه شناس اذعان داشت: طبیعتاً زمانی که با کاهش ازدواج و افزایش طلاق روبرو شویم، نرخ فرزند آوری نیز بسیار کاهش خواهد یافت، در این رابطه عدم وجود چشم‌انداز امید بخش اقتصادی و اجتماعی و نداشتن امید به آینده دلیل اصلی و مهم برای کاهش فرزندآوری است، همچنین افزایش زاد و ولد به عنوان یک ارزش اجتماعی خاصیت خود را به نوعی از دست داده، این درحالیست که تغییر چنین تفکری امروزه بسیار سخت است و دیگر تعدد فرزندآوری نوعی ارزش اجتماعی به حساب نمی‌آید، بنابراین عوض کردن این تفکر به خصوص در بین جوانان امروز بسیار سخت است، همچنین هزینه فرزندآوری و اوضاع بد اقتصادی نیز مزید بر علت شده تا خانواده‌ها از داشتن فرزند صرف نظر کنند

وی افزود: با توجه به چنین شرایطی و با توجه به ادامه روند موجود، روز به روز بر تعداد طلاق‌ها افزوده می‌شود و به تبع آن تعداد ازدواج‌ها کاهش می‌یابد، در نتیجه این اتفاق نیز نرخ باروری در کشور همچنان سیر صعودی خود را ادامه می‌دهد که نتیجه آن کاهش جمعیت کشور در دو دهه آینده و افزایش جمعیت سالمند و از کار افتاده خواهد بود که این موضوع تبعات اجتناب ناپذیر خود را به دنبال خواهد داشت.